

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه اسمگرایی و کارکردگرایی

بحث ما راجع به مسأله ای است که ما از آن به اسم گرایی یا کارکردگرایی تعبیر می کنیم. مرحوم شیخ در آخرین قسمت صحبتش مطلب را به جای روشنی میرساند ، مرحوم کاشف الغطا فرق میگذار دبین استحاله در متنجس و استحاله در نجس، استحاله در نجس را موجب طهارت می داند یعنی در اعیان نجسه و در متنجس نجس نمیداند. من در نسبتی که به جناب ایشان دادم ، ایشان درص 297 ج 3 می گوید بعض المتاخرین اما نمی گوید کی؟ اما در ص 299 صریحا اسم می برد و بعد آقایانی که چاپ کنگره را کار کردند، گفتند این جماعت جناب نراقی و میرزای قمی ، ... دیشب که وقت گذاشتم تا کلمات فاضل هندی را ببینم فاضل هندی در کشف اللثام ، ج 1 ص 470 در بحث استحاله صریحا این مطلب را نمی گوید ولی برداشت می شود که ایشان استحاله را در نجس موجب طهارت میداند ولی در متنجس نداند چون در متنجس احتمال استصحاب میدهم . قید می کند در متنجسات با این که بحثش هم در نجس هست هم غیر متنجس. می گوید در متنجسات احتمال استصحاب میدهم. ولی کلمات دیگری هم دارد ، ایشان یک کتاب دیگری هم دارد بنام المناهج السویه فی شرح روضه البهیة .

شیخ اعظم میفرماید: در برگه 3004 آخرین قسمت عربی ... یستقیم ان یراد من قولهم ان الاحکام تدور مدار الاسماء نه آیه است و نه روایت ... مراد بزرگان این است که مقتضای ظاهر مبین دلیل حکم مثلا العنب اذا غلی یحرم ... ظاهر حکم از عنوان موضوع تبعیت می کند یعنی اذا غلی تبعیت می کند از عنب موضوعی که حکم بر آن بار شده و به آن تعلق گرفته است . ما کار به باطن دلیل نداریم. قهرا هر چه غیر از اسم گرایی باشد می رود کنار. شارع وقتی فرمود الخمر حرام این حرام تبعیت می کند از الخمر تبعیت حکم از موضوع مثل تبعیت معلول از علت است. فیراد من هذا القضیه تاسیس اصل این بسیار مهم است. شیخ می گوید که این یک اصل است که یعدل عنه ... که از این اصل بخواهیم عدول کنیم قرینه می خواهد و الا حکم دائر مدار آن است. وقتی اما م فرمود وقتی یک انسان را کشتید دبه او 200 حله است . البته انتخاب انواع قتل دست قاتل است البته اگر قتل خطا یا شبه خطا باشد! یا وقتی می گوید که 100 شتر شما بگویی کارکردش عوض شده زمان قدیم جایگاهی داشت . گاهی یک شتر معادل بیست تا گوسفند بود شتر الان کارکرد قبل را از دست داده اما شتر بولش حرف اول را میزد در داروها و وسیله بار بود و پوست و گوشتش و الان آمده پایین الان صرفا معادل سه گوسفند است. این جا شیخ میگوید این حرفها را ننزید. در جاهای مختلف، منتها گاهی به قرینه فهم عرف یا غیر فهم عرف از این اصل عدول می کنیم. جناب شیخ اعظم بحث را به یک جای روشنی تمام کرد. از این که گفت اصل چیست. تا این حدش قضیه را تمام کرد. اما آن استثنا یک مقدار کار را مبهم می کند. چون وقتی میگوییم فهم عرف چه ضابطه ای دارد؟ آیا عرف مفسر عرفی که می چسبد به دلیل و می گوید که مراد امام صادق این اسم نیست شیخ هم میگفت اگر عنب بیاید ما در کشمش هم میبریم بدون نیاز به استصحاب یا اگر راجع به رطب مطلبی بیاید در تمر هم میبریم بدون این که بخواهیم از استصحاب کمک بگیریم. گاهی هم مثال میزنند مثل این که بگویند رطل شک بین ثلاث و اربع می فهمد کل مکلف ... رجل یعنی مرد! حتی پسر بچه را هم نمی گیرد چطور می گویم که و در رساله هم می نویسیم که هر که شک بین سه و چهار بکند، فقها معتقدند که امام وقتی می گوید رجل یعنی مکلف حالا زن باشد یا مرد خنثی باشد ... خانم باشد دوشیزه باشد مرد باشد ... می گوید از خود عنوان عدول می کنیم. قد یعدل عنه بقرینه فهم عرف ... حالا به فرض بگوییم مراد عرف مفسر است اگر این را هم قبول کنیم، بعدیش می گوید او غیره ... عطف بر فهم عرف است. می خواهم بگویم این غیره را عطف بر عرف نکنید! فهم عرف و فهم غیر عرف ، نمی خواهم بگویم که غلط است اولاً ضمیر مفرد آمده

است. و بعد هم فهم غیر کلمه زیبایی نیست! سوال این است که شیخ غیر فهم عرف چیست؟ آیا اجماع؟ یا نص خاص؟ یا تعلیل؟ ما میخواهیم مطلب را دقیق بفهمیم که در فهمان دخالت دارد. این غیره را چه میفرمایید؟ با ید برگه ها را هم پیش مطالعه کنید هم پیش فکر داشته باشید نصف صفحه خواند کمی قدم بزند و راجع به مطالب فکر کند و ببیند این غیره که شیخ گفت منظور چیست. و الا سی سال می آید و هر سی سال هم به تعبیر برخی استفاده می کند!!!!!!

ما میخواهیم روی این غیره کار کنیم که چیست. ببینید غیره که ما را از اسمگرای بی برد به غیر اسم گرای. لازم نیست که ما حتما مقابل اسم گرای حتما کارکرد گرای را بیاوریم. که گاهی هم میگویند ابزار گرای... لازم نیست غیر اسم گرای چون غیر اسم گرای بعضی هایش سر از کارکردگرای در می آورد. و برخی از آن ها هم سر از چیزی درمیآورد که من از آن تعبیر با هویت گرای کردم که البته از این تعبیر راضی نیستم!! به هر حال روی غیر اسم گرای تمرکز میکنیم و در جلسات بعد مطالبی را مطرح می کنیم.

الحمد لله رب العالمین